

پسندید بر اسلام



شیخ مرتضیٰ انصاری

در مقاله گذشته، با بیانی نارسا، پیرامون شخصیت و مقام علمی شیخ انصاری، این چهره بسیار تابناک و درخشان جهان اسلام، بحثی مختصر داشتیم، اینک به دنبال آن بحث می پردازیم:

● اخلاق و رفتار شیخ انصاری:

شیخ انصاری «ره» نه تنها در علم گوی سبقت را از دیگران ربوده بود بلکه در عمل نیز نظیری نداشت. به مشکلات و امور مردم رسیدگی می کرد و از احوال طلاب و محصلین همواره جوینا می شد و برای ترویج بیشتر از علوم دین، با بودن علما و طلاب در یکی از شهرستانها اجازه نمی داد سهم امام را از آنجا به جانی دیگر ببرند و سفارش می نمود که در همان شهر به مصرف محصلین و طلاب برسانند.

صاحب کتاب «زندگانی شیخ انصاری» نقل کرده است که: شخصی خدمت شیخ رسید و به او گفت: فلان طلبه چای می خورد! (گو یا در آن زمان چای مرسوم نبوده و جزء تشریفات به حساب می آمده است) و با این سخن می خواست سعایتی کرده باشد، حقوق آن طلبه کم شود. ولی شیخ با شنیدن این سخن، روبه او کرده گفت: خدا رحمت کند که این مطلب را به من گفتی و دستور داد اضافه بر ماهیانه آن طلبه، مخارج چای را نیز از بیت المال به وی بپردازند تا اینکه با راحتی و آسایش بیشتر به تحصیل خود ادامه دهد.

شیخ نه تنها به طلاب حوزه رسیدگی می کرد بلکه همواره به فکر فقرا و مستمندان بوده و شبانه همانند رهبر و مولایش امیرالمؤمنین «ع» به خانه های مسکونی فقرا سر می زد و مواد غذایی بردوش گرفته بر خانواده های مستمند و بیچاره تقسیم می نمود.

در «لؤلؤالصدق» چنین آمده است: «... واغلب عطایای آن مرحوم در سیزده کثیری از فقرا معاش (حقوق) معین داشتند که همیشه سالانه و ماهانه به آنها می رسید و هیچ نمی دانستند از کجا است. در وقت سحر بر در خانه فقرا می رفت با لباس متدل و صورت خود را ستر می کرد (می پوشاند) و به مقدار حاجت آنها مرحمت می فرمود و چون شیخ مرحوم از دنیا رفت، معلوم شد آن مردی که بر درب منازل این مردم در اوقات غیر متعارفه می آمده، آن مرحوم بود و انصافاً روی اسلام را سفید کرد...».

نوشته اند: یکی از یاران شیخ، نسبت به این کار انسانی وی (کمک به فقرا و مستمندان) از او ستایش و تمجید کرد. شیخ در پاسخ گفت: «این وسیله فخر و کرامتی نیست زیرا وظیفه هر فرد معمولی است که امانت را به صاحبانش برساند و این وجوه هم حقوق فقرا است که به عنوان امانت نزد من می باشد و من به صاحبانش می رسانم».

ملکات فاضله و اخلاق پسندیده شیخ قابل توصیف نیست. در همان هنگام که رهبری امت را به عهده گرفته بود و مجلس درس داشت و نماز جماعت بر پا می نمود و کارهای مردم را بررسی می کرد و عبادت بیماران و تشییع جنازه ها می رفت و گره از مشکلات مردم بازمی کرد، در آن زمان یکی از علما - نقل می کند - که خدمت شیخ رسیدم و به او گفتم: فلان سید طلبه بدهکار و بیچاره است، مرحمتی در باره او بفرمائید! شیخ می فرماید: «اکنون پولی ندارم مگر هشت تومان که مربوط به دو سال نماز و روزه است، این را به ایشان بدهید و از وی بخواهید که دو سال نماز و روزه را به

جای آورد». آن عالم می گوید: در پاسخ گفتم: ولی او مرد محترمی است و از خانواده های با شخصیت است و تا کنون چنین کارهایی نکرده است. شیخ مقداری تأمل نمود سپس چنین فرمود:

«دو سال عبادت (نماز و روزه) را خودم بجا می آورم (از طرف صاحب وجه) و شما هشت تومان اجرتش را به آن سید بدهید.

شیخ انصاری بقدری متقی و پرهیزکار بود که حتی هدایائی که برای ایشان می آوردند، بین طلاب تقسیم می نمود، و خود به اندازه حقوق یک طلبه معمولی بر می داشت.

در کتاب «دارالسلام» آمده است: «با آنکه در هر سال زیاده از صد هزار تومان از وجوه به سوی او متوجه می گردید، وفات کرد و درهم و دیناری نگذاشت و در حیات به اقل مایقنغ به اکتفا نمود».

در «نورالآفاق» آمده است: «مرحوم علیبن مقام، حجة الاسلام و آية الله الملك العلام، عالم ربانی الحاج شیخ مرتضی الانصاری «اعلی الله مقامه و طاب مضجعه» نقل شده که ایشان از خود مالیه ای نداشتند و همیشه به اقل مایقنغ معیشت می کرده و به عسرت می گذرانید و فرمود: من یکتفر فقیر هستم، باید مانند یکتفر از فقر زندگی نمایم».

نویسنده کتاب «شخصیت شیخ انصاری» می نویسد: «شیخ هنگامی که خواست دختر خود را با برادر زاده اش شیخ محمدحسن انصاری عروسی نماید، حاج محمد صالح کبه (وکیل شیخ در بغداد) به نجف آمد و از وی استدعا نمود که اجازه دهد تا جمیع مخارج این امر خیر را از مال خویش به عهده گیرد ولی شیخ به او اجازه نداد و قبول نفرمود و با یک چیزه بسیار ناچیزی عروسی را انجام داد».

آری! باید از روش زندگی این بزرگان سرمشق بگیریم و بجای اینکه دنبال مستهای غلط و بیجائی که از بیگانگان بر ما تحمیل شده، برویم از مستهای الهی و اسلامی که توسط رهبران و سروران روحانی ما به ما یاد داده شده، پیروی کنیم. این مستهای خوب و خداپسندانه را می توان در لابلای زندگی آن بزرگان و شخصیتهای والا مقام یافت و از آنها تبعیت کرد. (۱)

● مسجد شیخ انصاری:

یکی از خدمات ارزنده ای که شیخ انصاری به حوزه علمیه نجف کردند، ساختن مسجد بود که در اوقات نماز، جماعت در آن پیا می شد و در سایر اوقات مرکزی بود برای درس و بحث و

تحقیق لابلای متون فقهی و اصولی.

داستان بنای این مسجد، از این قرار بوده که یکی از ثروتمندان ایرانی مبلغی را به شیخ داد تا برای خود منزلی بسازد. شیخ با آن پول، زمین خرید و در آن زمین مسجد ساخت. هنگام بازگشت آن ثروتمند به نجف اشرف، شیخ او را به مسجد برد و گفت: این است منزل من که توسط شما ساخته شده!! او بدینوسیله ارادت و محبت آن مرد به شیخ بیشتر شد. در کتاب «ماضی النجف و حاضرها» آمده است: «این مسجد را شیخ انصاری به نظارت استاد معروف حاج محسن استاد ساخت و خود در آنجا به نماز جماعت اشتغال داشت». پس از رحلت شیخ، علما و دانشمندان بزرگ در آن مسجد اقامه جماعت می کردند و مجالس درس خارج نیز داشتند که تا کنون هزاران طلبه فاضل از این مرکز الهی مستفیض شده اند.

● استادان و شاگردان شیخ:

شیخ انصاری در تمام مدت تحصیل، تنها نزد شش نفر از دانشمندان و علمای بنام، دروس اسلامی را آموخته است که این بزرگان عبارتند از:

۱ - شیخ حسین انصاری دزفولی: شیخ انصاری قسمت زیادی از دروس مقدماتی خود را نزد ایشان خوانده است.

۲ - ملا محمد شریف مازندرانی معروف به شریف العلماء.

۳ - شیخ موسی کاشف الغطاء: مقام علمی ایشان بقدری بلند است که پدرش شیخ جعفر کبیر، او را از تمام فقهای شیعه بجز محقق و شهید اول، برتر و بالاتر دانسته است. شیخ انصاری بمدت یکسال با کمی بیشتر نزد ایشان فقه و اصول آموخته است.

۴ - شیخ علی کاشف الغطاء، برادر شیخ موسی کاشف الغطاء.

۵ - سید محمد مجاهد فرزند سید علی صاحب «ریاض»: شیخ انصاری چهار سال در محضر درس ایشان حاضر شده و بهره های فراوانی برده است.

۶ - حاج ملا احمد، علامه نراقی: آن بزرگوار ساکن کاشان بوده و در یکی از مسافرتهای شیخ انصاری به آن دیار، چون دریافته بود که ایشان از فقهای بزرگ و جامع معقول و منقول بوده است، مدتی در آنجا اقامت گزید و از محضر درس آن شخصیت والا مقام دروس زیادی آموخت.

در جلسه درس شیخ انصاری بیش از پانصد طلبه حاضر می شدند که بسیاری از آنان به درجه اجتهاد رسیده و از

۲- مکاسب یا مشاجر که از متون مهم فقهی و کتابی درسی است.

۳- رساله در ارث.

۴- رساله در تقیه.

۵- رساله در خلل.

۶- حاشیه بر استصحاب قواتین.

۷- حاشیه بر نجات العباد.

۸- کتاب الطهاره.

۹- کتاب رجال.

۱۰- رساله در قطع.

۱۱- اصول الفقه.

۱۲- حواشی متفرقه بر عوائد نراقی.

وفات شیخ انصاری:

شیخ انصاری، استاد فقه و اصول و استاد مجتهدین و دانشمندان، این فقیه پارسا و باتقوا پس از ۶۸ سال زندگی پربرکت، در شب هجدهم جمادی الثانی، سال ۱۲۸۱ هجری قمری در نجف اشرف دنیا را بدرود گفت و عالم را در وفات خود سوگوار نمود.

پس از رحلت شیخ، ملا محمد طالقانی او را غسل داد و سید علی شوشتری بر وی نماز گذاشت و در حجره ای متصل به درب قبله سخن مطهر حضرت امیر(ع) در جوار شیخ حسین نجف که در زهد و تقوی بی نظیر بوده، به خاک سپرده شد. خبر وفات شیخ، عالم اسلام را به سوگ و غزا نشاند.

امروز مقبره شیخ مورد توجه مسلمانان است و آنان که به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف می شوند، کنار قبر شیخ نیز عرض ادب می کنند.

درود بی پایان خدا بر او و بر پویندگان راه او.

۱- متأسفانه مسئله ازدواج در این زمان به صورت عقده ای درآمده و آنقدر دشوار شده است که جوانان را اگر به فساد نکشاند به بیماریهای روانی کشانده و به صورت یک داد و ستد بی رحمانه روح و روان فرزندان، را سخت می آزارد. اینجا است که باید ببینیم اسلام با این مسئله مهم چگونه برخورد کرده است و ما همان روش را دنبال کنیم نه روشهایی که از روی هوی و هوس و سننهای باطل و تعصبات جاهلانه باشد در وسائل الشیعه ج ۱ ص ۵۱ روایتی از حضرت رسول «من نقل کرده است که می فرماید: «إذا جاءکم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه، إلا تظلموه تکن فتنه فی الأرض و فساد کبیر» کسی که اخلاق و دین او را می پسندید، اگر برای خواستگاری آمد، زن به او بدهید که اگر این کار نکند فتنه و فساد بزرگی در زمین خواهد بود. و از این قبیل روایتها بسیار است و اینجا جای بحث آن نیست، تنها برای تذکر این چند جمله معترضه را یادآور شدیم.

شخصیتهای عالم تشیع به شمار می آیند. اینک برخی از آنان را در اینجا نام می بریم:

۱- میرزا محمد حسن شیرازی معروف به مجدد شیرازی: پس از وفات شیخ انصاری، مردم به میرزای شیرازی «ره» رجوع کردند و مرجعیت عامه شیعه به آن بزرگوار رسید.

۲- میرزا محمد حسن قمی.

۳- سید جمال الدین اسد آبادی.

۴- میرزا حسین نوری معروف به علامه نوری.

۵- شیخ محمد طه نجف.

۶- شیخ عبدالحسین جواهری فرزند صاحب جواهر.

۷- آخوند ملا محمد کاظم خراسانی معروف به آخوند،

صاحب کتاب اصولی معروف «کفایة الاصول».

۸- شیخ میرزا محمود عراقی صاحب «قوام».

۹- سید مهدی حسینی قزوینی.

۱۰- شیخ جعفر شوشتری.

۱۱- میرزا محمد هاشم خوانساری.

۱۲- حاج میرزا حسین خلیلی.

۱۳- شیخ محمد حسن مامقانی.

۱۴- میرزا حبیب الله رشتی.

۱۵- شیخ ابراهیم آل صادق.

تالیفات شیخ انصاری:

تالیفات و آثار علمی شیخ انصاری گرچه زیاد نیست ولی از نظر محتوا فوق العاده است. کافی است نظری به دو کتاب رسائل و مکاسب ایشان بیافکنیم تا به مقام علمی وی پی ببریم. علامه نوری در پایان جلد سوم «مستدرک» می گوید: «هر یک از علما و فقهای اسلام که پس از ایشان آمدند ناچاره اوقات خود را صرف کتابها، نوشته ها و تحقیقات علمی او کرده، کوششها و زحمتهای کشیدند تا اینکه از اندیشه های شیخ استفاده کنند، و با آن همه رنجها که در این راه متحمل شدند، اعتراف به عجز خود در رسیدن به افکار شیخ می کنند تا چه رسد که به مقام او نائل آیند».

برخی از نوشته های شیخ انصاری:

۱- رسائل شیخ، «فرائد الاصول» نام دارد که در علم اصول، ابتکاری و بی نظیر است و می توان شیخ را از مؤسین این علم دانست